

## بسوی يك استراتژی جدید برای توسعه بین المللی اولویتهای توسعه در منطقه آسیا و اقیانوس آرام در دهه ۱۹۹۰

استراتژی توسعه بین المللی برای سومین دهه توسعه سازمان ملل - دهه ۸۰ به ضرورت تسریع توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه، از طریق تلاش همه جانبه مجامع بین المللی برای کاهش قابل ملاحظه در نابرابریهای موجود بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و کاهش فقر و وابستگی در این کشورها، تاکید داشته است. در این استراتژی هدفهای مشخصی تعیین گردید که دستیابی به آنها برای رسیدن به مقاصد فوق ضروری بود. علاوه بر ارزیابی دوره ای پیشرفتهای حاصله در کارگیری این استراتژی تاکید گردید. هدف این مقاله بازبینی عملکرد کشورهای در حال توسعه ناحیه اسکاپ (ESCAP) در رابطه با بعضی از اهداف مهم استراتژی توسعه بین المللی برای سومین دهه توسعه سازمان ملل بوده است. تا شاید تنگناهایی که دستیابی به این اهداف را مشکل ساخته شناسایی شوند. در تعیین مسائل عمده توسعه در ناحیه در حال توسعه «اسکاپ» در چهارچوب وابستگی متقابلی که در سطح جهانی وجود دارد لازم است که دو نکته روشن گردد، اول: تجربه دهه ۸۰ نشان داد که تحولات اقتصاد جهانی می تواند تاثیر قابل توجهی بر عملکرد اقتصادهای این ناحیه و در نتیجه در اجرای این استراتژی داشته باشد. دوم: بواسطه محدودیتهای ایجاد شده در نتیجه رکود در کشورهای صنعتی در اوایل دهه ۸۰، بخصوص محدودیت دسترسی کشورهای در حال توسعه به بازارهای کشورهای توسعه یافته برای

1. The International Development Strategy for The Third Unial Nations Development Decade - The 1980.
2. Economic Bulletin for Asia and The Pacific
3. Economic and Social comission for Asia and the pacific (ESCAD).

صادرات، همکاریهای منطقه‌ای در منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در دیگر مناطق تشدید شد، از این رو در قسمت الف این مقاله موضوعات انتخابی در رابطه با وضعیت اقتصاد بین‌المللی و همکاریهای منطقه‌ای تشریح می‌گردد. استراتژی توسعه برای دهه ۹۰ باید بر میراث بر جای مانده از سالهای نامطلوب دهه گذشته بنا گردد. در طی آن دهه در حالی که کشورهای در حال توسعه منطقه اسکاپ در کل در مقابله با ضربه‌های خارجی، و همچنین مشکلات ساختاری داخلی، موفقیت بیشتری داشته و نسبت به نواحی در حال توسعه دیگر پویایی اقتصادی بیشتری از خود نشان دادند اما بخش وسیعی از این ناحیه نتوانست به اهداف تعیین شده در استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ دست یابد. به علاوه در زمینه توسعه اجتماعی پیشرفتهای کمی صورت گرفت در حالی که در بسیاری از کشورها شرایط زیست محیطی نیز بشدت تخریب شد. از این رو بخشهای «ب» و «د» این مقاله به بررسی مسائلی در رابطه با عملکرد و دور نمای اقتصادی، توسعه اجتماعی و محیط زیست اختصاص یافته است. در این بخشها پیشرفتهای بدست آمده در دهه ۸۰ در منطقه اسکاپ با توجه به بعضی از اهداف تعیین شده در استراتژی توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در استراتژی توسعه برای دهه ۹۰، از نظر کشورهای در حال توسعه اسکاپ ایجاد یک چهارچوب مشخص برای همکاریهای اقتصادی در سطح جهانی به منظور حفظ وابستگی متقابل رو به رشدی که در اقتصاد جهانی وجود دارد باید جزو اهداف اصلی قرار گیرد. بر این اساس، در این مقاله ضرورت ایجاد فضای مناسب برای انتقال از وضعیت مدیریت بحران و تعدیل بحران که مشخصه اصلی دهه ۸۰ بود به رشد پایداری که بر انسان و محیط زیست وی مبتنی است، به عنوان اساس استراتژی جدید مطرح می‌گردد.

## الف - وابستگی متقابل اقتصاد جهانی.

### ۱ - شرایط اقتصاد بین‌المللی.

هر چند که دور نمای رشد در کشورهای در حال توسعه در دهه ۹۰ تا حدود زیادی به سیاستها و تلاشهای خود آنها بستگی دارد، اما تحولات جهانی نیز می‌تواند تاثیر بسزایی داشته باشد. در «استراتژی توسعه برای چهارمین دهه توسعه سازمان ملل» باید واقعیات در حال تغییر جهان در نظر گرفته شود. در دهه ۹۰ کشورهای در حال توسعه بخصوص

کشورهای ناحیه اسکاپ در می یابند که علاوه بر گرایشهای دهه قبل گرایشهای جدیدی نیز به وجود آمده است. چهارنوع از این گرایشها بسادگی قابل تشخیص می باشد:

اول: جهانی شدن فعالیتهای اقتصادی بخصوص در امر تولید، تکامل تکنولوژی و تحرك منابع مالی که نتیجه مستقیم گسترش تجارت جهانی باسرعتی بیشتر از تولیدات جهانی و همچنین رشد و ادغام بازارهای جهانی سرمایه است.

دوم: یکی از جنبه های مهم در وضعیت جدید اقتصادی جهانی تغییر شدید در ترکیب قدرت اقتصادی کشورهای عمده و یا گروههای کشورهاست. در حال حاضر قدرت اقتصادی پراکندگی بیشتری نسبت به دهه هفتاد دارد. سهم امریکا در GNP جهانی به  $\frac{1}{5}$  کاهش یافته و این کشور که قبلاً بزرگترین اعتبار دهنده در سطح جهان بوده به بزرگترین بدهکار تبدیل شده است. در همین زمان ژاپن و جامعه اروپا به صورت رقبای قدرتمندی در اقتصاد جهانی در آمده اند، ژاپن نه تنها از سریعترین رشد اقتصادی در بین کشورهای توسعه یافته برخوردار است بلکه به صورت بزرگترین اعتبار دهنده در آمده بطوری که خالص دارئیهای آن در خارج در پایان سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است.

سوم: ظهور اتحادیه ها و بلوک های اقتصادی منطقه ای. در حالی که در قسمت های مختلفی از جهان سعی شده که گروههای منطقه ای وزیر منطقه ای تشکیل گردد، تصمیم جامعه اروپا به ادغام کامل اقتصادهای کشورهای اروپایی این تصور را برای همگان ایجاد کرده که سیستم تجارت آزاد که تا حدود زیادی مسبب رشد اقتصادی در نیمه دوم این قرن بوده خود می تواند باعث به وجود آمدن بلوکهای اقتصادی که رقیب تجاری هم هستند، گردد.

بالاخره تغییرات سیاسی و اقتصادی که در کشورهای بلوک شرق رخ می دهد می تواند اثرات عمیقی بر تحولات اقتصاد جهانی داشته باشد. هرچند که هنوز هم خیلی زود و هم خیلی مشکل است که بتوان تداوم و اثرات احتمالی این اصلاحات را بر بقیه جهان بخصوص بر کشورهای در حال توسعه دقیقاً ارزیابی کرد. اما بدون شک به فرصتها و رقابتهایی که کشورها در دهه ۹۰ با آن مواجهند بعد جدیدی افزوده شده است. تحولاتی که در دهه ۹۰ به وجود خواهد آمد ممکن است با شوکهای تجربه شده در دهه قبل کاملاً متفاوت باشد، گرایشهای فوق الذکر می تواند اثرات جدی بر رشد پایدار کشورهای در حال توسعه داشته باشد. به علاوه یکی از نتایج عمده افزایش وابستگی متقابل در اقتصاد جهانی محو شدن نسبی مرز بین سیاستهای اقتصادی ملی و بین المللی است. افزایش وابستگی اقتصادهای ملی، به نوبه خود

نیاز به همکاری بین کشورها را در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و وزیر منطقه‌ای افزایش داده است.

در دهه ۸۰ برای مقابله با عدم توازنها و تنشهایی که مشخصه اصلی اقتصاد بین‌المللی در این دهه بودند شاهد یکسری تلاشهای خود بخود و سازمان یافته بودیم. تلاشهای دو جانبه و چند جانبه برای حل مشکل بدهیهای خارجی کشورهای در حال توسعه مشغله اصلی اقتصاد جهانی از سال ۱۹۸۲ به بعد بوده است. هر چند که کشورهای بدهکار بخش کوچکی از اقتصادهای در حال توسعه را در نیمکره غربی تشکیل می‌دهند، اما این مساله بطور مستقیم و غیر مستقیم تقریباً در تمامی کشورهای در حال توسعه تاثیر داشته است. در حالی که بعضی از کشورهای بدهکار ممکن است بتوانند خود را از دام بدهیها رها سازند اما بنظر نمی‌رسد که این معضل در دهه ۹۰ بر طرف گردد. مساله بدهیها نه تنها بر فرایند توسعه کشورهای شدیداً بدهکار تاثیر منفی داشته بلکه با مشکل شدن دسترسی به سرمایه‌های خارجی، رشد دیگر کشورها را نیز شدیداً محدود ساخته است. بنابراین لازم است که استراتژی جدیدی در رابطه با بدهیهای خارجی کشورهای در حال توسعه ارائه گردد.

پیدایش بازارهای جهانی سرمایه در دهه ۹۰ احتمالاً نقش مهمتری در جمع‌آوری و انتقال منابع به کشورهای در حال توسعه خواهد داشت. با کاهش مورد انتظار در کسری تراز پرداختهای امریکا، کشورهای در حال توسعه منطقه آسیا و اقیانوس آرام به بازارهای جهانی سرمایه دسترسی بیشتری خواهند داشت. مع ذلک کشورهای در حال توسعه‌ای که مایلند از این فرصت استفاده کنند باید سیاستهای اقتصاد کلان خود را تعدیل نموده و تشکیلات سازمانی لازم برای بهره‌گیری از تحولات جدید در بازارهای سرمایه را فراهم سازند. بنابراین در استراتژی جدید توسعه بین‌المللی باید اهمیت فزاینده بازارهای سرمایه در هدایت منابع مالی در جهت توسعه جهانی در نظر گرفته شود.

در تلاش برای توسعه منطقه اسکاپ، گرایشهای سیستم تجارت بین‌المللی کماکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حرکت بسوی سیاستهای مبینی بر بازار تا اندازه‌ای ناشی از موفقیت توسعه برون‌گراست. و منشأ اصلی پویایی اقتصاد جهانی در دو دهه اخیر آزاد بودن سیستم تجارت بین‌المللی بوده است. در این رابطه قطبهای جدید رشد اقتصادی، بخصوص کشورهای جدیداً صنعتی شده شرق آسیا، نقش مهمی را بازی کرده‌اند. اما کشورهای صنعتی در واکنش به این رشد سریع تولیدات و صادرات کشورهای در حال توسعه به

سیاستهای حمایتی تجاری روی آورده اند، مخصوصاً در رابطه با صادرات کالاهای صنعتی در دراز مدت چنین واکنشهایی با شکست مواجه خواهد شد. زیرا باعث رکود در کشوری که از این سیاستها استفاده کرده و انزوای وی از پویایی اقتصادهایی که در مقابل آنها از خود حمایت می‌کند، می‌گردد.

## ۲- حیطه فعالیتهای منطقه ای

در طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تلاشهای قابل توجهی برای برقراری همکاری اقتصادی بین کشورهای ناحیه اسکاپ صورت گرفت. تلاشهای بین المللی، دو جانبه و چند جانبه، بیشتر در جهت برقراری همکاریهای فنی و مبادله تخصص بود و نه مرتبط ساختن و یا ادغام اقتصاد این کشورها در جهت بهره گیری از صرفه جوئیهای ناشی از مقیاس و یا تفاوت در مزایای نسبی. اما از اواسط دهه ۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه، افزایش و تنوع تولیداتشان، به ضرورت گسترش همکاری با همسایگانیشان پی بردند. سیاست جاننشینی واردات که در مراحل اولیه ساده می نمود تدریجاً مشکلتر شده و کارائی آن نیز پایین آمد از اینرو گسترش بازار چه در داخل و چه در منطقه ضرورت یافت.

در دهه ۱۹۸۰ انگیزه اقتصادی اصلی برای برقراری همکاری بین کشورهای در حال توسعه ناحیه اسکاپ این بود که از محدودیتهای ناشی از جانشین واردات رهایی یابند. چنین همکاری این امتیاز را داشت که این کشورها تاحدی مجبور به پیروی از سیاست تجارت آزاد بودند. بنابراین همکاری منطقه ای به عنوان یک حد وسط بین خود اتکائی کامل و اقتصاد کاملاً باز مورد نظر بود.

توجهی که اخیراً به گسترش همکاری در منطقه اسکاپ شده عمدتاً ناشی از رشد شگفت انگیز ژاپن، کشورهای جدیداً صنعتی شده و اعضای ASEAN (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) بوده است. این کشورها در فرایند توسعه خود از خصوصیات مشترکی برخوردار بودند. در بین این خصوصیات مهمترین آنها عبارت است از: نسبت بزرگ و فزاینده صادرات به GDP (تولید ناخالص داخلی)، افزایش مداوم سهم کالاهای ساخته شده در کل صادرات، وجود یک طبقه از کارفرمایان کارآمد در بخش خصوصی، نیروی کار آموزش دیده و متعهد و علاوه بر همه اینها دولتی که تمایل و توانایی لازم را دارد که برای تداوم نرخ رشد بالا و حفظ قدرت رقابت صادرات کشور در صورت لزوم دخالت نماید. تجارب این

سه گروه از کشورها سه موج صنعتی شدن را از دهه ۵۰ تا دهه ۸۰ به وجود آورده است و پیش‌بینی می‌شود که دیگر کشورهای در حال توسعه منطقه بتوانند از نزدیکی جغرافیایی به این مراکز رشد سود ببرند.

این سه موج صنعتی شدن در منطقه آسیا و اقیانوس آرام بدون هیچ‌گونه ترتیبات رسمی برای همکاری‌های منطقه‌ای وزیر منطقه‌ای به وجود آمده است، اما وابستگی فزاینده اقتصادهای منطقه و تاثیر آنها به اقتصاد جهانی بطور روز افزون احساس می‌شود. اقتصادهای پویاتر در ناحیه اسکاپ برای بقای خود به سیستم تجارت بین‌المللی آزاد و به بازارهای کشورهای توسعه یافته متکی بوده‌اند. با افزایش سیاست‌های حمایتی تجاری در کشورهای توسعه یافته و ظهور بلوک‌های تجاری در بین آنها، اقتصادهای ناحیه اسکاپ با مشکل جدیدی مواجهند که برای مقابله با آن یک واکنش مناسب به صورت هماهنگ شده ضروری است. بر این اساس استراتژی توسعه بین‌المللی برای دهه ۹۰ باید بر همکاری بین اقتصادهای منطقه به منظور افزایش قابلیت انعطاف این اقتصادها تاکید داشته باشد، تا بدین ترتیب آنها بتوانند با بی‌ثباتی ناشی از نوسانات بازار در کشورهای توسعه یافته مقابله نمایند.

### ب- مسائل مهم توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۹۰

اقتصادهای در حال توسعه منطقه اسکاپ از تنوع زیادی برخوردار بوده و از نظر وسعت و خصوصیات دیگر تفاوت‌های زیادی دارند (جدول شماره ۱). در این کشورها سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوتی وجود دارد و همچنین از نظر توسعه اقتصادی در مدارج مختلفی قرار دارند. اما علی‌رغم تمامی این تفاوت‌ها همه آنها یک هدف مشترک را دنبال می‌کنند که آن افزایش سطح زندگی مردم است.

هدف اولیه اقتصادهای منطقه در حال توسعه اسکاپ استمرار افزایش درآمد سرانه است. زیرا سوای عملکرد استثنایی چند اقتصاد پویا در منطقه بیش از نیمی از جمعیت نقش کشورهای در حال توسعه (در حدود ۵۰۰ میلیون نفر که در تنازع بقا درآمدهایی پایین‌تر از خط فقر دارند) در این منطقه زندگی می‌کنند. در واقع توسعه نیافتگی منطقه اسکاپ وقتی آشکار می‌شود که می‌بینیم این منطقه با داشتن ۱/۵۲ درصد از جمعیت جهان در سال ۱۹۸۷ از درآمدی در حدود ۳/۸ درصد درآمد جهان برخوردار بوده است.

جدول شماره ۱- شاخص های اولیه برای کشورهای منتخب منطقه اسکاپ

نرخ باسوادی بزرگسالان	طول عمر مورد انتظار (سال)			جمعیت		درآمد سرانه		
				درصد رشد	(میلیون نفر)	درصد رشد	دلار ۱۹۸۷	
	۱۹۸۵	۱۹۷۷	۱۹۸۸	۱۹۸۰	۱۹۸۰-۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۰-۸۷	
۲۴	۱۲	۴۲	۳۷	-۰/۸	۱۵/۱	-	-	افغانستان
۳۳	۲۶	۵۱	۴۶	۲/۷	۱۰۹/۶	۰/۸	۱۶۰	بنگلادش
-	-	۷۴	-	۲/۸	۰/۲	-	۱۵/۳۹۰	دارالسلام
۷۵	-	۴۹	-	۲/۶	۷/۹	-	-	کامبوج
۶۹	۶۶	۷۰	۶۴	۱/۳	۱۱۰۴/-	۹/۱	۲۹۰	چین
۸۶	۷۵	۷۰	۷۲	۱/۷	۰/۷	-	۱۵۷۰	فوجی
۸۸	۹۰	۷۶	۷۴	۱/۵	۵/۷	۵/۳	۸۰۷۰	هنگ کنگ
۷۴	۶۲	۵۶	۵۳	۱/۸	۱۷۵/-	۱/۷	۴۵۰	اندونزی
۵۱	۵۰	۶۶	۵۹	۳/۹	۵۳/۱	-	-	جمهوری اسلامی ایران
-	۹۶	۵۳ <sup>a</sup>	۵۲ <sup>b</sup>	۲/۲	۰/۱	-	۴۸۰	کریانی
۸۴	۴۱	۴۹	۳۳	۲/۱	۳/۸	-	۱۷۰	جمهوری دموکراتیک خلق لائوس
۶۹	۶۶ <sup>c</sup>	۷۰	۶۴	۲/۳	۱۶/۶	۱/۱	۱۸۱۰	مازی
-	۸۲	۵۹ <sup>a</sup>	۴۷ <sup>d</sup>	۴/۱	۰/۲	-	۳۰۰	مالدیو
۸۴	۷۰	۶۰	۵۴	۲/۱	۴۰/-	-	۲۰۰	میانمار
۲۶	۱۹	۵۱	۴۴	۲/۶	۱۸/۲	-	۱۶۰	نیال
۳۰	۲۴	۵۷	۵۰	۳/۷	۱۱۴/۹	۳/۳	۳۵۰	پاکستان
۴۵	۳۲	۵۴	۵۱	۲/۶	۳/۸	۰/۱	۷۰۰	گینه جدید پاپوا
۸۶	۷۵	۶۴	۶۴	۲/۶	۵۹/۵	-۳/۳	۵۹۰	فیلیپین
۹۲	۹۳	۶۹	۶۵	۱/۴	۴۲/۶	۷/۳	۲۶۹۰	جمهوری کره
-	-	۶۵	۶۸	۰/۱	۰/۲	-	۵۵۰	ساموآ
۸۶	۸۴ <sup>c</sup>	۷۳	۷۲	۱/۱	۲/۶	۵/۷	۷۹۴۰	سنگاپور
-	۱۳ <sup>e</sup>	۶۶ <sup>a</sup>	۵۷	۳/۴	۰/۳	-	۴۲۰	جزایر سلیمان
۸۷	۸۵	۷۰	۶۶	۱/۶	۱۶/۸	۳/۰	۴۰۰	سری لانکا
۹۱	۸۲	۶۵	۶۳	۱/۸	۵۴/۱	۳/۴	۸۵۰	تایلند
۸۴	۸۷	۶۲	۶۳	۲/۲	۶۴/۲	-	-	ویتنام

منابع: بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی ۸۲، ۸۴ و ۱۹۸۹

۱۹۸۷ (a) ۱۹۷۸ (b) ۱۹۸۰ (c) ۱۹۷۷ (d) ۱۹۷۶ (e)

## ۱- عملکرد در سطح اقتصاد کلان

در استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ بر ضرورت به نرخ ۷ درصد رشد سالانه GDP در کشورهای در حال توسعه در این دهه تأکید شده بود. هر چند که آمار موجود برای دوره ۸۷-۱۹۸۰ نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه منطقه آسیا در اقیانوس آرام به استثنای چین و کره نتوانستند به این هدف دست یابند (جدول شماره ۲). اما، عملکرد کلی منطقه در این دهه به این نرخ رشد نزدیک بوده است. با توجه به این که کشورهای این منطقه در گذشته عمدتاً از نرخ رشد پایینی برخوردار بوده‌اند دستیابی به چنین نرخ رشدی حائز اهمیت است. اما برای این که در رابطه با پویایی کلی اقتصاد منطقه مبالغه نشده باشد لازم است که وضعیت، بطور دقیقتری بررسی گردد. بخصوص باید توجه داشت که روند رشد در منطقه کاملاً ناهمگون بوده بطوری که رشد اقتصادی عمدتاً در چند کشور در حال توسعه با درآمد متوسط در شرق و جنوب شرقی آسیا متمرکز بوده است. اکثریت کشورهای کمتر توسعه یافته و کم درآمد منطقه آسیا و اقیانوس آرام در این دوره از رشد کند و در بعضی اوقات منفی برخوردار بوده‌اند.

بنابراین در استراتژی توسعه برای دهه ۹۰ باید به ایجاد فضای مناسب برای تسریع رشد در کشورهایی که از پویایی کمتری برخوردارند اولویت داده شود. در واقع در این استراتژی تعیین حداقل استانداردهای لازم برای پیشرفت اجتماعی - اقتصادی در کشورهای کمتر توسعه یافته، محصور در خشکی و دریا، بطوری که بتواند بهبود کیفیت زندگی انسانها را در پایان این دهه تضمین نماید ضروری است.

## ۲- بخشهای اقتصادی

### I- کشاورزی

در استراتژی برای سومین دهه توسعه سازمان ملل تأکید شده بود که تولیدات کشاورزی کشورها در حال توسعه در کل باید بطور متوسط سالانه ۴ درصد افزایش یابند تا در کنار اهداف دیگر، بتوانند نیازهای غذایی مردم این کشورها را برآورده سازند.

اطلاعات موجود در رابطه با عملکرد این کشورها در دهه گذشته نشان می‌دهد که رشد بخش کشاورزی کاملاً پایین تر از نرخ تعیین شده است. (جدول شماره ۲)

علل پایین بودن نرخ رشد بخش کشاورزی در دهه ۸۰ روشن است. اول: تکنولوژی

جدول شماره ۲- رشد خروجی ارزش افزوده\* در ۸۸ - ۱۹۸۰  
در کشورهای در حال توسعه منتخب منطقه اسکاپ

متوسط نرخ رشد سالانه (درصد)					
خدمات	(بخش تولیدی)**	صنعت	کشاورزی	GDP	
۰/۶	۱/۲	۱/۸	-۲/۲	-۰/۷	افغانستان
۵/۳	۲/۷	۴/۰	۱/۸	۳/۵	بنگلادش
۷/۶	۱۲/۶	۱۳/۲	۷/۴	۱۰/۴	چین
۰/۹	-۱/۳	-۲/۶	۱/۴	۰/۲	فی جی
-	-	-	-	۸	هنگ کنگ
۶/۱	۶/۸	۶/۵	۴/۹	۵/۷	هندوستان
۶	۹/۴	۴/۸	۳/۸	۵	اندونزی
۵/۲	۸	۶/۵	۳/۷	۵/۳	مالزی
۳/۹	۴/۱	۴/۸	۴/۶	۴/۳	میان مار
-	-	۵/۱	۳/۹	۴/۴	نیال
۷/۱	۹/۱	۸/۳	۴/۲	۶/۶	پاکستان
-	-	-	-	۲/۳	گینه جدید پایوا
۲/۳	۴/۵	۰/۷	۲/۴	۱/۷	فیلیپین
۸	۱۰/۷	۱۰/۲	۲/۴	۸/۱	جمهوری کره
۷/۴	۷	۶/۶	-۴/۶	۷	سنگاپور
۵/۳	۵/۴	۴/۴	۲/۸	۴/۵	سريلانكا
۷/۱	۶/۹	۶/۸	۳/۷	۶/۳	تایلند
۷/۷	۵/۲	۱/۶	۹	۷/۵	تونگا

پیشرفته که موتور اصلی رشد بخش کشاورزی از دهه ۶۰ به بعد بوده در چند کشور عمده تولیدکننده محصولات کشاورزی در منطقه قبلاً به حد اعلاي خود رسیده و در کشورهای دیگر بکارگیری آن بسختی ممکن است. دوم: صادرات منطقه با سیاستهای حمایتی شدید کشورهای واردکننده مواجه شده و دسترسی به بازارهای کشورهای توسعه یافته شدیداً محدود شده است. در همین حال قیمتهای جهانی برای کالاهای کشاورزی که در منطقه تولید می شود شدیداً کاهش یافت، بطوری که رابطه مبادله بازرگانی این کشورها برای کالاهای کشاورزی در سال ۸۵ در حدود ۱۲ درصد و در سال بعد به ۲۳ درصد کاسته شده برای رفع مشکل اول باید تلاشهای همه جانبه ای در جهت گسترش زمینهای قابل کشت و ارائه تکنیکها و روش های جدید کاشت محصول صورت گیرد. در رابطه با مشکل دوم در استراتژی جدید توسعه بین‌المللی باید بر ضرورت برقراری تجارت آزاد برای تولیدات کشاورزی و حذف سوبسیدهای کالاهای کشاورزی در کشورهای توسعه یافته تأکید گردد.

## II - صنعت و تکنولوژی

در رابطه با رشد صنعتی، در استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ قید شده بود که تولید کالاهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه باید از رشد متوسط سالانه ۹ درصد برخوردار باشد. شواهد نشان می دهند که همانند بخش کشاورزی، فقط معدودی از کشورهای منطقه، عمدتاً در شرق آسیا (جدول شماره ۲)، توانستند به این نرخ دست یابند. اما کشورهای جنوب شرقی آسیا بخصوص اندونزی، مالزی و تایلند پویایی قابل توجهی را در بخش صنعت از خود نشان دادند، و اگر بواسطه کاهش تقاضا برای کالاهای اساسی نبود، ممکن بود که به نرخ رشد بالاتری هم دست یابند. در پاکستان و هندوستان نیز بخش صنعت بعد از یک دوره رکود و رشد کند تحرك زیادی از خود نشان داد. اما نتوانستند به نرخ تعیین شده دست یابند. کشورهای ASEAN (بجز سنگاپور) که از نظر منابع طبیعی در وضعیت بهتری قرار دارند. ترکیبی از سیاستهای صنعتی شدن مبتنی بر صادرات و صنعتی شدن بر اساس جانشینی واردات را دنبال کردند. اما کماکان قسمت اعظم درآمد صادراتی و اشتغال در این کشورها ناشی از فعالیتهای بخشهای کشاورزی و مواد اولیه بود. در جنوب آسیا، علی رغم این واقعیت که در هندوستان و پاکستان سهم نسبی بخش کشاورزی کاهش و سهم نسبی بخش صنعت افزایش یافت، در رابطه با درآمدهای پایین و فقر شدید رفع نیازهای اولیه از اولویت برخوردار بود لذا خودکفایی در تولید مواد غذایی همچنان به عنوان مسأله اصلی در امر

سیاست گذاری باقی ماند. اما در سالهای اخیر کشورهای این منطقه نیز به صنایع مبتنی بر صادرات توجه بیشتری داشته اند.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه ناحیه اسکاپ یکی از جنبه های نگران کننده رشد بخش صنعت در دهه ۸۰ این بود که فرصتها شغلی در این بخش بکندی افزایش یافت و مازاد نیروی کار به بخشهای کشاورزی و خدمات تحمیل گردید. از این رو فقر در مناطق روستایی و شهری همچنان پای بر جای باقی ماند. بنابراین لازم است که استراتژی صنعتی شدن و نوع تکنولوژی به کار گرفته شده در این مناطق مورد تجدید نظر قرار گیرد تا با اهداف توسعه مطابقت بیشتری داشته باشد. به علاوه برای رفع معضل رشد و بیکاری در کشورهای با درآمد کم که نیروی کار فراوانی دارند، جوامع بین المللی باید در دهه ۹۰ بطور متمرکز از بخش صنعت در این کشورها حمایت کنند. در این راستا در استراتژی توسعه برای دهه ۹۰ باید همکاریهای فنی در سطح بین المللی به منظور دستیابی به تکنیکهای کآمد و کاربر در امر تولید تأکید گردد.

### III - تجارت بین المللی

در استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ تأکید شده بود که به منظور تسریع فرایند تولید در کشورهای در حال توسعه گسترش سریع تجارت بین المللی ضروری است. در این رابطه پیشنهاد شده بود که صادرات و واردات باید از نرخ رشد سالانه حداقل ۷/۵ و ۸ درصد برخوردار باشند. در استراتژی همچنین عنوان شده بود که برای دستیابی به این نرخها رشد و بهبود رابطه مبادله بازرگانی کشورهای در حال توسعه، مشارکت منصفانه تر این کشورها در تجارت بین المللی از طریق دسترسی بیشتر به بازارها برای صدور تولیداتشان، اعطای شرایط ترجیحی در مواقع ضروری، ایجاد فضای بازتر برای مبادله کالا و مقابله با سیاستهای حمایتی ضرورت دارد. اما در سال ۸۰ شاهد شروع روند رکودی در تولیدات جهانی و انقباض تجارت جهانی در دوره ۸۴ - ۱۹۸۰ بودیم. در همین زمان کاهش قیمت مواد خام درآمد صادراتی بسیاری از کشورهای منطقه را کاهش داد. و سقوط قیمت نفت در سال ۱۹۸۶ این مسأله را برای تولید کنندگان عمده نفت در منطقه تشدید نمود. بی ثباتی نرخ ارز که در تمامی دهه ۸۰ ادامه داشت آثار متفاوتی بر اقتصادهای منطقه داشت در حالی که در بعضی موارد کاهش ارزش دلار به ضرر کشورهایی بود که صادرات آنها عمدتاً کالاهایی بوده که به دلار قیمت گذاری می شوند، در موارد دیگر افزایش ارزش پول کشورهای صنعتی

باعث شد که صادرات کشورهای در حال توسعه قدرت رقابت بیشتری یابند. بطوریکه در دهه ۸۰ مشاهده شد که اقتصادهای پویای جنوب و جنوب شرقی آسیا، علی‌رغم شرایط نامساعد تجارت بین‌المللی بخصوص در سالهای قبل از ۱۹۸۶ عملکرد درخشانی در زمینه صادرات داشتند (جدول شماره ۳). اما اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته و اقتصادهای جزایر اقیانوس آرام که به معدودی کالاهای صادراتی متکی بودند نتوانستند به نرخهای تعیین شده در استراتژی دست یابند.

در زمینه واردات نیز بیشتر کشورها نتوانستند به اهداف تعیین شده نایل شوند، فقط چین، جمهوری کره و هنگ کنگ موفق شدند که از نرخ رشد تعیین شده در استراتژی فراتر روند، اقتصادهای منطقه عمدتاً با تضعیف رابطه مبادله بازرگانی مواجه بوده و این امر به اقتصادهایی که صادراتشان عمدتاً مواد اولیه بود تأثیر شدیدی داشته است. از این رو در استراتژی برای چهارمین دهه توسعه سازمان ملل باید حذف موانع تجاری و حرکت به سوی فضای مناسبتر برای تجارت بین‌المللی تأکید گردد.

#### IV تغییر در روند جریان سرمایه

یکی از موضوعات مورد توجه منطقه در حال توسعه اسکاپ جریان منابع مالی ترجیحی از کشورهای توسعه یافته و مؤسسات مالی چند جانبه به کشورهای کمتر توسعه یافته و کم درآمد منطقه است. در استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ پیش بینی شده بود که در طی این دهه کمکهای رسمی توسعه (CDA) به نرخ توافق شده در سطح بین‌المللی یعنی ۰/۷ درصد از CNP کشورهای توسعه یافته برسد. اما متأسفانه کمکهای رسمی پرداخت شده در سالهای ۸۷-۱۹۸۶ از طرف اعضای کمیته کمکهای توسعه OECD فقط بالغ بر ۰/۳۵ درصد GND این کشورها بود و نکته تأسف‌آورتر این است که کمک‌های دریافتی توسط کشورهای در حال توسعه ناحیه اسکاپ در طی این دهه فقط  $\frac{1}{4}$  کل بوده است. با توجه به این که اکثریت جمعیت فقیر دنیا در این ناحیه زندگی می‌کنند عدم کفایت این کمکها کاملاً محسوس است.

مشکل دیگری که کشورهای در حال توسعه اسکاپ با آن مواجهند این است که بانکهای تجاری تمایل بیشتری به ارائه منابع مالی به کشورهای با درآمد متوسط که قادر به بازپرداخت هزینه‌های سنگین بدهیهای خصوصی هستند، تمایل بیشتری دارند. بدین جهت فقیرترین کشورها که قسمت اعظم منطقه را تشکیل می‌دهند عموماً از دریافت

## جدول شماره ۳- شاخص های تجارت کالا برای کشورهای منتخب منطقه اسکاپ

رابطه مبادله بازرگانی در سال ۱۹۸۷	سهم کالاهای ساخته شده در کل صادرات (درصد)		نرخ رشد سالانه (درصد)		
	۱۹۸۷	۱۹۸۰	صادرات	واردات	
(۱۰۰-۱۹۸۰)			۱۹۸۰-۸۷	۱۹۸۰-۸۷	
۹۱	۳۳	۱۷	۲٫۳	۶٫۲	بنگلادش
۸۷	۶۶	۲۶	۱۴٫۲	۱۱٫۷	چین
۱۰۶	۷۰	۴۰	۹٫۱	۱۱٫۴	هنگ کنگ
۱۱۴	۵۹	۳۰	۴٫۷	۳٫۶	هندوستان
۶۹	۲۴	۱	-۲٫۲	۲٫۷	اندونزی
۷۲	۱۳	۶	-۰٫۷	۹٫۷	مالزی
۶۵	۳	-	-۸٫۷	-۴٫۷	میان مار
۹۳	۷۰	۷	۶٫۴	۵٫۱	نیپال
۹۹	۶۴	۱۱	۳٫۴	۸٫۴	پاکستان
۸۴	۵	۲	۰٫۳	۴٫۹	گینه جدید پایوآ
۹۸	۵۶	۲۹	-۴	-۰٫۴	فیلیپین
۱۰۵	۵۹	۴۱	۹٫۶	۱۴٫۳	جمهوری کره
۱۰۲	۲۹	۲۴	۳٫۷	۶٫۱	سنگاپور
۹۶	۳۸	۷	۳٫۲	۶٫۵	سريلانكا
۸۱	۴۱	۱۴	۳٫۴	۱۰٫۲	تایلند

منابع: بانک جهانی - گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۸۳ و ۱۹۸۸

وام از این مؤسسات محروم مانده اند. بنابراین دراستراتژی جدید توسعه بین الملل باید اقدامات مقتضی جهت تضمین انتقال منابع سرمایه ای به کشورهای کم درآمد با هزینه هایی که در استطاعت آنها باشد در نظر گرفته شود.

کشورهای در حال توسعه بخصوص کشورهای بدهکاری که درآمد پایین دارند با توجه به سطح فعلی جریان سرمایه به این کشورها قادر نیستند که بطور همزمان از یک طرف اصل و فرع بدهیهایشان را پرداخت کرده و از طرف دیگر تعدیل اقتصادی لازم را برای دستیابی به رشد پایدار انجام دهند. بنابراین مؤسسات مالی رسمی دو جانبه و چندجانبه باید با توجه به

نیازهای این کشورها، منابع مالی جدیدی، چه از طریق تخفیف بدهیها و یا کمکهای ترجیحی، در اختیارشان قرار دهند. در چهار چوب همکاریهای توسعه در دهه ۹۰ سازمانهای بین المللی جداً از اقدام فوری جهت کاهش بار بدهیها مسؤلیت سنگین دیگری را نیز به عهده دارند که آن تضمین افزایش قابل توجه در حجم ODA است.

### ج - ابعاد اجتماعی توسعه

به موازات نیاز در تسریع رشد اقتصادی توجه به مسائل دراز مدت اجتماعی به منظور بهبود کیفیت زندگی بخصوص در مناطق کم درآمد روستایی و شهری مطرح می باشد. از این رو ابعاد اجتماعی توسعه را نمی توان نادیده گرفت. اما، تداوم فقر، بیکاری، بیسوادی، نرخ مرگ و میر بالا، عرضه نامناسب و ناکافی ملزومات اولیه زندگی و... در دهه ۸۰ کاملاً در تضاد است با نرخهای رشد اقتصادی بالایی که در بسیاری از کشورهای ناحیه اسکاپ مشاهده شده این عدم تقارن در توسعه اقتصادی و اجتماعی بسیار نگران کننده است. در این بخش از مقاله جنبه هایی از رفاه اجتماعی که غالباً در فرایند توسعه دهه ۸۰ نادیده گرفته شده اند و لازم است که در دهه ۹۰ توجه خاصی به آنها مبذول گردد، مورد بررسی قرار می گیرند.

### ۱ - برنامه ریزی توسعه اجتماعی

هدف نهایی از تسریع رشد اقتصادی بالا بردن کیفیت و سطح زندگی و کاهش فقر است. از طرف دیگر برای دستیابی به رشد پایدار و تغییرات ساختاری بهبود شرایط زندگی، رفاه و مهارتهای افراد ضروری است. به نظر می رسد که این ارتباط متقابل بین اهداف اقتصادی و اجتماعی فراموش شده است. بطور مثال، در حالی که تلاشهای زیادی برای مقابله با فشار جمعیت، که در استراتژی مبتنی بر رشد ضروری است، می شود، به برنامه های بهداشتی، تغذیه، سوادآموزی توجه چندانی نمی شود. بی توجهی به این مسائل در کشورهای فقیر منطقه اسکاپ غالباً ناشی از رقابت شدیدی است که برای منابع محدود وجود دارد. به طوری که در این کشمکش، نیازهای اولیه اجتماعی همواره فدای نیاز به افزایش سرمایه گذاریهای موکد در دیگر بخشهای اقتصادی می شود.

در استراتژی توسعه برای سومین دهه توسعه سازمان ملل تاکید شده بود که در

برنامه های توسعه ملی باید توسعه اقتصادی و اجتماعی بطور یکسان مورد توجه قرار گیرند.

## ۲- فقر و توزیع درآمد

کاهش و محو تدریجی فقر یکی از اهداف اولیه در سومین دهه توسعه سازمان ملل بوده اما در تضاد با عملکرد کلی اقتصادی منطقه، پیشرفت در این زمینه بسیار ناچیز بوده است. متاسفانه تحلیل دقیق مساله، به واسطه عدم دسترسی به آمار و اطلاعات مربوط به توزیع درآمد و فقر و در اختیار نداشتن شاخصهای اجتماعی، ممکن نیست. اطلاعات محدودی که از سالهای گذشته در رابطه با توزیع درآمد تقریباً یکسانی وجود داشته، ثانیاً بیش از ۴۰ درصد از درآمد به ۲۰ درصد جمعیت که در بالای جدول درآمدی قرار دارند تعلق گرفته است در حالی که ۴۰ درصد از جمعیت که در پایین جدول قرار داشتند کمتر از ۲۰ درصد از درآمد را دریافت کرده اند.

اطلاعات موجود نشان می دهد، که این روند در دهه ۸۰ بهتر نشده و در بعضی موارد حتی بدتر نیز شده است. مساله توزیع درآمد در بسیاری از کشورهای منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا افزایش نابرابریها نه تنها باعث محدود شدن تقاضای داخلی شده بلکه ثبات اجتماعی را نیز به خطر می اندازد. با توجه به اهمیت بخش روستایی در اقتصادهای کم درآمد منطقه اسکاپ اقداماتی جهت افزایش اشتغال و درآمد روستاها می تواند در کاهش فقر در این مناطق موثر باشد، بخصوص در جنوب آسیا، جایی که تعداد زیادی از خانواده ها فاقد زمین بوده و نمی توانند از بهره وری کشاورزی بهره مند شوند. بنابراین باید اهمیت بیشتری به فعالیتهای روستایی غیر کشاورزی داده شود تا نوسانات فصلی در تقاضا برای نیروی کار روستایی تا حدی تعدیل شود. در رابطه با جمعیت فقیر مناطق شهری نیز لازم است که اقدامات سازمان یافته ای جهت بالا بردن سطح مهارتها و بهره دهی کارگران شاغل در بخشهای غیر رسمی صورت گیرد. به علاوه لازم است که مخارج عمومی بیشتری به طرحهای مربوط به رفاه اجتماعی کم درآمدترین قشرهای جامعه اختصاص یابد، از جمله این طرحها پرداخت سوبسید به کالاهای ضروری است.

## ۳- بیکاری

علی رغم تلاشهای بسیار برای افزایش اشتغال مولد همان طور که در استراتژی

توسعه برای دهه ۸۰ تأکید شده بود. در بسیاری از کشورهای منطقه اسکاپ به خصوص در کشورهای پر جمعیت بیکاری و اشتغال ناقص عموماً افزایش یافته است (جدول شماره ۶). هر چند که نرخ بیکاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نسبتاً پایین است اما شواهد نشان می دهد که در بخش کشاورزی و خدمات بیکاری پنهان به صورت گسترده ای وجود دارد. این مشکل که، به صورت اشتغال افراد در شغل های با کارایی کم و درآمد در سطح حداقل معاش در نواحی روستایی و بخش های غیررسمی شهری نمایان می گردد، در جنوب آسیا و بعضی از نواحی جنوب شرقی آسیا شدیدتر است. بطور مکرر بر استفاده مؤثر از نیروی کار عظیم منطقه اسکاپ که در این دوران تغییرات سریع تکنولوژی همچنان بدون استفاده باقی مانده تأکید شده است. لذا یک برنامه جامع برای توسعه منابع انسانی از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا بهبود کیفیت زندگی از هر لحاظ به استفاده مؤثر از منابع انسانی بستگی دارد. بنابراین استراتژی جدید توسعه باید بر تلاش های همه جانبه برای فراهم ساختن مهارت های مورد نیاز تأکید داشته باشد زیرا توسعه منابع انسانی علاوه بر کسب مهارت ها از طریق تجربه به آموزش و تربیت نیز بستگی دارد.

#### ۴- بهداشت و تغذیه

به عنوان یکی دیگر از ابعاد حیاتی توسعه اجتماعی، استراتژی برای سومین دهه توسعه، توجه همگان را به ضرورت گسترش دسترسی به امکانات بهداشتی، آب آشامیدنی سالم، تغذیه مناسب و کاهش نرخ مرگ و میر جلب نمود. علی رغم مشکلات و موانع بی شماری که در سرراه قرار داشت در دهه ۸۰ پیشرفتهایی در این زمینه صورت گرفت. امکانات بهداشتی و پزشکی گسترش یافت و این امر در کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان، افزایش طول عمر مورد انتظار و عرضه آب آشامیدنی سالم به جمعیت شهری و روستایی منعکس می باشد. اما وضعیت تغذیه در بسیاری از کشورهای کم درآمد منطقه اسکاپ رضایت بخش نبوده است. تخمین زده می شود که در حدود ۵٪ از افرادی که در دنیا از سوء تغذیه رنج می برند در این منطقه سکونت دارند.

بهبود قابل توجه در وضعیت بهداشت و تغذیه در منطقه مستلزم افزایش شدید در مخارج است. در حالی که برآورد درستی از مخارج و سرمایه گذاری مورد نیاز برای انجام چنین کار بزرگی در دست نیست اما کاملاً واضح است که هزینه های مربوطه خیلی بیشتر از منابع در

دسترس است. در دهه ۹۰ امکانات بهداشتی و تغذیه برای جمعیت فقیر اقتصادهای کم درآمد منطقه فقط در صورتی می تواند گسترش قابل توجهی یابند که حمایت‌های فنی و مالی بین المللی بطور چشمگیری افزایش یابند. بنابراین استراتژی جدید توسعه باید این مسأله را به عنوان یکی از مسائل عمده جهت جلب توجه کشورهای کمک کننده در دهه ۹۰ مطرح کند. در غیراین صورت هدف سازمان بهداشت جهانی (WHO): (بهداشت برای همه در سال ۲۰۰۰) در قسمت اعظم منطقه اسکاپ به صورت یک رویا باقی خواهد ماند.

### ۵- آموزش و باسواد

آموزش، هم به عنوان یک هدف و هم به عنوان وسیله ای برای دستیابی به بهره وری بیشتر و افزایش مشارکت اجتماعی، یکی از مسائل ضروری در امر توسعه است. استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ به ضرورت گسترش تحصیلات ابتدائی و کاهش بیسوادی توجه داشت. براین اساس تمامی کشورهای در حال توسعه منطقه اسکاپ توجه ویژه ای به همگانی کردن آموزش ابتدائی داشتند. مع ذلک پیشرفت به کندی صورت می گرفت. در واقع نتایج حاصل از گسترش امکانات آموزشی به وسیله رشد سریع جمعیت خشی می شد.

برآوردشده که در سال ۱۹۸۵ در منطقه اسکاپ ۶۱۸ میلیون نفر (زن و مرد) در محدوده سنی ۶۴-۱۵ بیسواد بوده اند. این نرخ بالای بیسوادی عمدتاً ناشی از پایین بودن سطح درآمد است. زیرا علی رغم رایگان بودن تحصیلات هزینه های جانبی مثل خرید کتاب، پوشاک خانواده های کم درآمد را از تحصیل فرزندانشان منصرف می کرد. یک عامل دیگر هزینه فرصت از دست رفته در رابطه با درآمدی که بچه ها می توانستند برای خانواده، کسب نمایند بود، بخصوص در نواحی روستایی که کار از سنین پایین شروع می شود. با همه اینها آموزش یک مسأله اصلی در امر توسعه است و باید در استراتژی توسعه برای دهه ۹۰ نیز بر آن تأکید گردد.

### د- حفاظت از محیط زیست، رشد جمعیت و فقر

استراتژی توسعه برای دهه ۸۰ علاوه بر تأکید بر رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی به این نکته اشاره داشت که سلامت و بهزیستی همگانی متأثر از شرایط محیطی است. در این استراتژی بر ضرورت انجام اقدامات لازم به منظور جلوگیری از تخریب محیط زیست و حفظ

توازن اکوسیستم تأکید شده بود. متأسفانه در نیمه اول دهه مسائل زیست محیطی مورد توجه قرار نگرفت و در نتیجه در بعضی از کشورهای منطقه اسکاپ محیط زیست و زیر ساخت منابع طبیعی شدیداً تخریب شده توسعه پایدار در این کشورها را تهدید می‌نماید. مع ذلک در سالهای اخیر بواسطه افزایش آگاهی در سطح بین‌المللی نسبت به مسائل محیطی و تکرار مصیبت‌های طبیعی باعث شده که دولتها و ملتها و سازمانهای غیر دولتی در بسیاری از کشورهای ناحیه اسکاپ، نسبت به مسأله هوشیاری بیشتری داشته باشند.

### ۱ - مشکلات محیط زیست

هر چند که کشورهای در حال توسعه اسکاپ از نظر موقعیت زیست محیطی کاملاً متفاوتند. اما مهمترین مسأله محیطی در بسیاری از این کشورها از بین بردن جنگلها و صاف کردن زمین برای دستیابی به منابع اقتصادی کوتاه مدت بوده است. جنگلهای استوایی منطقه در حدود ۳۰۰ میلیون هکتار است و بالاترین بهره‌وری را در دنیا دارند. اما در طی دهه گذشته این جنگلها با سرعت نگران‌کننده‌ای در حال نابود شدن بوده‌اند پیش‌بینی می‌شود تا پایان این قرن حداقل ۷۲ میلیون هکتار از این جنگلها نابود شده باشند. با توجه به فقدان اقدامات حفاظتی مناسب، تخریب جنگلها و صاف کردن زمین باعث فرسایش خاک، از دست رفتن سریع آب و سیل، گل گرفتن سدها و کانالهای آبیاری و کاهش میزان محصول می‌شود.

در منطقه اسکاپ وقوع مکرر سیل و خشکسالی تا حد زیادی در ارتباط با تخریب محیط زیست بوده است. خسارات وارده به محیط اشکال مختلفی دارد در حالی که بعضی از آنها مثل نابودی جنگلها، گسترش بیابانها، آلودگی رودخانه‌ها، آلودگی‌های صنعتی نمایان است اما اشکال دیگر آن مثل فرسایش خاک، آلودگی لایه‌های زیر زمینی آب و چندین نوع دیگر چندان آشکار نیست. زیان اقتصادی ناشی از تخریب محیط زیست ممکن است که در کوتاه مدت چندان محسوس نباشد اما در دراز مدت می‌تواند قابل توجه باشد. در نتیجه برای دستیابی به توسعه پایدار باید در سیاستهای توسعه سلامت محیط زیست نیز در نظر گرفته شود، چراکه رشد سریع اقتصادی که به قیمت تخریب محیط زیست به دست آید نمی‌تواند پایدار باشد.

## ۲- عوامل مؤثر

عوامل اصلی در به وجود آمدن مشکلات محیطی عبارتند از (۱) رشد سریع جمعیت، (۲) فقر گسترده، (۳) کشت فشرده زمین و (۴) استفاده بیش از حد از نهاده های شیمیایی برای دستیابی به خودکفایی در موارد غذایی. بنابراین صنعتی شدن سریع، رشد سریع جمعیت و شهرنشینی مقدار منابع سرانه را کاهش داده و تعادل بین انسان و طبیعت را برهم می زند. یکی از اثرات فقر بر محیط زیست از بین بردن جنگلها در مناطق روستایی آلودگیهای صنعتی و شهری یکی دیگر از مشکلات عمده محیط زیست است که این نیز تا حد زیادی از فقر ناشی می شود. در تعدادی از کشورهای منطقه که به در آمد صادراتی مواد خام شدیداً وابسته اند کاهش مداوم قیمت این کالاها عامل اصلی در بهره برداری بیش از حد از این منابع طبیعی بوده است. عامل مهم دیگری که باعث تخریب محیط زیست شده تلاش برای دستیابی به رشد سریع خصوصاً در زمینه تولید مواد شیمیایی، کود شیمیایی و سموم نباتی بوده است. عدم رعایت اصول ایمنی در فعالیتهای صنعتی که در رابطه با مواد و فرایندهای تولید خطرناک هستند می تواند خطرات جدی را به همراه داشته باشد همان طور که در سانحه غم انگیز «بوپال» در سال ۱۹۸۴ دیدیم.

## ۳- رشد جمعیت، فقر و محیط زیست

در اغلب کشورهای در حال توسعه مشکلات فقر و تخریب محیط زیست با رشد سریع جمعیت در ارتباط است. به واسطه فشار جمعیت فقر زده بر منابع طبیعی محدود در مناطق روستایی موجودی منابع قابل تجدید رو به نابودی است. بنابراین برای حفاظت از محیط زیست و بقاء منابع طبیعی کاهش فشار جمعیت ضروری است، در بسیاری از کشورهای کم درآمد منطقه اسکاپ رشد جمعیت کماکان مانع اصلی برای توسعه و محیط زیست خواهد بود. پیش بینی می شود که جمعیت پنج کشور بزرگ منطقه از سطح ۲/۲۵ میلیارد نفر در سال ۱۹۸۷ به سطح ۲/۷۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ خواهد رسید. البته رشد جمعیت در همه جا یکسان نبوده و در بعضی کشورها به دلایل مختلف از جمله: تغذیه بهتر، بهداشت، آموزش زنان و برنامه های تنظیم خانواده در حال کاهش است. اما با توجه به کمبود منابع در کشورهای کم درآمد منطقه و دورنمای رشد سریع جمعیت در این کشورها لازم است که در استراتژی جدید بر ضرورت گسترش بیش از پیش برنامه های تنظیم خانواده و حمایتهای

مالی و فنی مجامع بین‌المللی از این برنامه‌ها تأکید گردد.

#### ۴- حفاظت محیط زیست و رشد اقتصادی

رشد اقتصادی، کاهش فقر، سلامت محیط زیست اهداف درازمدتی هستند که دو به دو به هم وابسته‌اند. در گذشته استراتژیهای توسعه در منطقه در حال توسعه اسکاپ تنها به رشد اقتصادی توجه داشت. هر چند که ارتباط بین مسائل زیست محیطی و توسعه بسیار پیچیده است اما بتدریج شناخت بهتری از آنها به دست آمده به طوری که هم اکنون در سطح جهانی پذیرفته شده که توسعه ناهمانگ و کنترل نشده عامل مهمی در از بین رفتن توازن اکوسیستم بوده است. حتی در بعضی موارد عدم توجه به محیط زیست در فرایند توسعه عامل مؤثری در وقوع بلایای طبیعی دانسته شده است. بنابراین در استراتژی جدید باید تأکید گردد که در برنامه‌های توسعه دهه ۹۰ اثرات جانبی هر پروژه بر محیط زیست باید در نظر گرفته شوند و پروژه‌هایی که به رفع مشکلات محیطی کمک می‌نمایند شناسایی گردند.

بطور کلی در استراتژی جدید توسعه باید تمامی مشکلاتی که در رابطه با محیط زیست به وجود آمده از جمله: گسترش بیابانها و شوره‌زارها، نابودی جنگلها، بهره‌برداری بیش از حد از منابع ساحلی و دریایی و آلودگی هوا در نظر گرفته شوند تا در چهارمین دهه توسعه سازمان ملل ضایعات غیر قابل جبرانی برای سلامت نوع بشر به وجود نیاید.

#### هـ: فرجام سخن

در چهارچوب استراتژی توسعه برای چهارمین دهه توسعه سازمان ملل نه تنها همیاری جامعه بین‌المللی برای توسعه جهانی احیاء می‌شود بلکه بر رشد سریع اقتصادی کشورهای در حال توسعه با توجه به تحولاتی که در دهه گذشته در جهان رخ داده تأکید می‌گردد. این تحولات مشکلات فقر و توسعه نیافتگی را کاهش نداده است. به علاوه نگرانی نسبت به تخریب محیط زیست در سالهای اخیر افزایش یافته است. در آخرین دهه این قرن در نهایت هم کشورها مجبور خواهند بود که خود را با واقعیات در حال تغییر جهان تطبیق دهند و بدین ترتیب زیربنای استواری برای توسعه پایدار در قرن بیست و یکم ساخته خواهد شد.

هر چند که در دهه ۸۰ در شرایط سخت رکود جهانی کشورهای در حال توسعه منطقه اسکاپ قابلیت انعطاف خوبی را از خود نشان دادند اما در دهه ۹۰ رشد آنها به اتساع اقتصاد

جهانی و موثر واقع شدن سیاستهای تعدیل اقتصادی که در سطح ملی و بین المللی اتخاذ شده اند بستگی خواهد داشت .

در طراحی استراتژی جدید برای دهه ۹۰ این واقعیت که کشورهای در حال توسعه از قابلیت انعطاف کمتری نسبت به کشورهای توسعه یافته برخوردارند باید در نظر گرفته شده و فشار ناشی از تعدیلهای اقتصادی بر این اساس تقسیم گردد بدین ترتیب در حالی که کشورهای در حال توسعه باید باتمام قدرت سیاستهای مبتنی در رشد را که از نظر اجتماعی نیز پایدارند دنبال نمایند کشورهای توسعه یافته نیز باید بر اثرات جانبی سیاستهای ملی خود بر دیگر کشورها توجه داشته باشند.

نکته مهم این بحث این است که : انتقال از تعدیل اقتصادی میان مدت که مشخصه اقتصاد توسعه در دهه ۸۰ بود به یک دورنمای طولانی مدت تر از توسعه پایدار در دهه ۹۰ باید هدف اصلی استراتژی جدید برای توسعه بین المللی باشد.

### منابع

"Economic Bulletin for Asia and The Pacific" Economic and Social commission for Asia and Pacific(ESCAP). U.N 1991.

جدول شماره ۴ - توزیع درآمد در دهه ۷۰ و ۸۰ در کشورهای منتخب منطقه اسکاپ

سال	٪۲۰ بالا	٪۴۰ متوسط	٪۴۰ پایین	سال	٪۲۰ بالا	٪۴۰ متوسط	٪۴۰ پایین
۱۹۷۳/۷۴	۴۲	۴۰	۱۸	۱۹۸۱/۸۲	۳۸	۳۵	۱۷
-	-	-	-	۱۹۸۰	۳۷	۳۷	۱۶
۱۹۷۵/۷۶	۴۹	۳۵	۱۶	-	-	-	-
۱۹۷۶	۴۹	۳۷	۱۴	۱۹۸۴	۳۷	۳۲	۲۱
۱۹۷۳	۵۶	۳۳	۱۱	-	-	-	-
۱۹۷۶/۷۷	۵۹	۲۸	۱۳	-	-	-	-
۱۹۷۱	۴۱	۳۸	۲۱	۱۹۸۵	۲۵	۵۷	۱۸
۱۹۷۰/۷۱	۵۴	۳۲	۱۴	۱۹۸۵	۳۳	۵۳	۱۴
۱۹۷۶	۴۵	۳۸	۱۷	۱۹۸۱	۴۰	۳۹	۲۱
۱۹۶۹/۷۰	۴۳	۳۸	۱۹	۱۹۸۰/۸۱	۳۴	۵۰	۱۶
۱۹۷۵/۷۶	۵۰	۳۵	۱۵	-	-	-	-